



واکاوی کاربردهای «حسن تعبیر» در ترجمهٔ رمان «سواقی القلوب»

محدّثی احمدی(*)

عامر رضائیان(**)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۲/۸/۱

تاریخ بذیرش: ۲۰۲۲/۹/۲۸

چکیده

واژه‌ها و عبارتها در هر جامعه، مطابق با فرهنگ آن جامعه به کار می‌روند؛ درحالی که ممکن است این واژه‌ها با فرهنگ جامعهٔ دیگر سازگار و مناسب نباشند. امروزه با گسترش ارتباطات، بیش‌از پیش، شاهد تغییرات فرهنگی و اجتماعی در میان جوامع هستیم. این تغییرات توسط رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و همچنین نوشته‌های داستانی و ... اعمال می‌شوند؛ بنابراین مترجمان به عنوان پیشگامان این عرصه، نقش مهم و اساسی را در تقابل‌های فرهنگی و اجتماعی دارند؛ ازاین رو انتظار می‌رود مترجمان از تأثیرپذیری جامعه خود در برابر بار منفی برخی از واژه‌ها و عبارتها جلوگیری کنند و عبارتهایی را که با فرهنگ جامعهٔ خود سازگار

(*) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده

مسئول) mn.ahmadi@yahoo.com

(**) دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

نیستند، تصحیح نمایند. در برخی از عبارات‌های رمان «سواقی القلوب» واژه‌هایی وجود دارند که در جامعه ما، تابو محسوب می‌شوند و مترجم باید مناسب‌ترین راه را برای کاهش بار منفی این عبارات‌ها به کارگیرد. حسن تعبیر راهکاری مناسب، برای ترجمه این نوع عبارات‌ها به‌شمار می‌رود. در این پژوهش به بررسی میزان کاربرد حسن تعبیر در ترجمه رمان «سواقی القلوب» پرداخته‌ایم و در صورت رعایت نشدن آن، ترجمه مناسب را ارائه داده‌ایم تا در ترجمه عبارات‌های مشابه از این روش‌ها استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: انعام کج‌جی، سواقی القلوب، حسن تعبیر، تابو.

۱. مقدمه

هر جامعه‌ای، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم دارد که به آن‌ها پایبند است و در هنگام سخن گفتن، اصول و ضوابط متناسب با فرهنگ جامعه خود را رعایت می‌کند، «زبان اصلی‌ترین وسیله ایجاد ارتباط میان افراد یک یا چند جامعه با یکدیگر است» (عرعار و هاشمی، ۲۰۱۶: ۱)؛ بنابراین زبان نقش مهمی در تقابل فرهنگ‌های جوامع دارد مترجم نیز اولین نقش را در انتقال این فرهنگ‌ها بازی می‌کند. از دیرباز جوامع مختلفی دچار تقابل‌های فرهنگی شده‌اند، که برخی از این فرهنگ‌ها مناسب و مثبت و برخی دیگر نیز نامناسب و دارای بارهای منفی بوده و ترویج آن در جامعه مقصد، مشکلاتی را ایجاد کرده است. مترجم به‌عنوان نقش اصلی در تقابل‌های فرهنگی، باید به مسائل فرهنگی و اعتقادی جامعه خود توجه کند و متن مبدأ را به شیوه‌ای ترجمه نماید که مناسب با جامعه مقصد باشد و از بار منفی آن بکاهد تا به فرهنگ جامعه و آداب و رسوم آن لطمه‌ای وارد نشود. برای فهم درست‌تر و روشن‌تر از حسن تعبیر، باید گفت که: «تابوها مقولات و مفاهیمی هستند که به واسطه حرمت عرفی یا اجتماعی و دینی از ذکر یا استفاده آن می‌پرهیزند. این حرمت و ناخوشایندی تابوها، انسان را به پردازش مفاهیم

ناخوشایند، زشت، خشن و گستاخانه، در قالبی زیبا، خوشایند و پسندیده و دور از صراحت لهجه سوق داده است که از این شیوه معناپردازی به حسن تعبیر یاد شده است» (نوروزی، ۱۳۸۹: ۱)؛ ازاین رو برای حفظ حرمت‌های دینی و اجتماعی یک جامعه، ما نیازمندیم که از مقوله حسن تعبیر استفاده کنیم و برای فهم بهتر موضوع باید گفت: «به نظر می‌رسد مسأله تابو در ترجمه به زبان فارسی را می‌توان به حوزه‌ها و دسته‌های زیر تقسیم نمود:

۱- روابط خصوصی زن و مرد، چه مشروع و چه نامشروع، و واژه‌های مرتبط با

آن؛ مانند، بوسیدن، همبستر شدن، هم آغوشی، خیانت و...

۲- روابط آزاد دختر و پسر قبل از ازدواج؛ مانند دوست‌پسر، دوست‌دختر و...

۳- نام بردن اندام‌های تناسلی و واژه‌های مرتبط با آن.

۴- به کار بردن نام هر چیز یا هر عملی که به مشروبات الکلی و مواد مخدر مرتبط است.

۵- واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه؛ مانند فحش و ناسزا.

۶- بیان ویژگی‌های بد رفتاری یا عادت‌های بد اجتماعی؛ مانند دزدی و...» (شریفی، ۱۳۸۸: ۶).

همانگونه که بیان گردید، حسن تعبیر از اهمیت ویژه‌ای در تصحیح انتقال مفاهیم از زبانی به زبان دیگر برخوردار است و نقش مترجم در به کارگیری این اسلوب نیز، کاملاً واضح و آشکار است. امروزه به‌علت ترجمه آثار فراوانی از زبانی به زبان دیگر، شاهد تحولاتی در سطح فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف هستیم که برخی از این تحولات بار منفی به همراه دارد و این امر سبب شده است که وظیفه مترجمان چند برابر شود. به عنوان مثال، می‌توان به آثاری که از زبان‌های مختلف از جمله زبان عربی، ترجمه شده‌اند اشاره کرد.

ما در این مقاله به بررسی یکی از این آثار، تحت عنوان «سواقی القلوب» اثر انعام کجه‌جی که محمد حزبایی‌زاده آن را با نام «آب‌باریکه‌ها» ترجمه کرده است،

می‌پردازیم و به دنبال آن هستیم تا روشن کنیم چه اندازه مصادیق حسن تعبیر در ترجمه تابوهای این اثر، رعایت شده است؟ و آیا می‌توان با رعایت این مصادیق، بدون ایجاد خللی در ترجمه، رمانی را ترجمه کرد؟

در این پژوهش تلاش شده که در ابتدا شیوه‌های حسن تعبیری بیان شود و سپس به مضامین ناخوشایند پرداخته و آن‌ها را به پنج دسته تقسیم کرده و راهکار مناسب برای ترجمه آن‌ها نیز ارائه گردد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی دربارهٔ تابوها، سخنان هنجارشکن و راهکارهای مربوط به ترجمهٔ آن‌ها صورت گرفته است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

فرناندز (۲۰۰۵) در مقالهٔ «استراتژی در ادب و نگرانی‌های چهره» با بررسی اینکه حسن تعبیر، تنها برای تصحیح تابوها به کار نمی‌رود، به این نتیجه می‌رسد که رعایت ادب در تعاملات دوطرفه و زیبایی سخن نیز در زیرمجموعه حسن تعبیر قرار می‌گیرد. شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) در مقالهٔ «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن» با بررسی برخی از متون ترجمه‌شده به زبان فارسی، تابوهای فرهنگ فرادست را دسته بندی نموده و بحث خودسانسوری و شیوه‌های رایج آن را مطرح کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که مهم‌ترین راهبردهای مترجمان در ترجمهٔ تابوها، شامل حذف واژه‌های کلی، وامگیری و ابداع واژه می‌باشد. نوروزی (۱۳۸۹) در مقالهٔ «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی شیوه‌ها و انگیزه‌ها» با بررسی شیوه‌های حسن تعبیر در زبان عربی و انگیزه‌های استفاده از آن، به این نتیجه می‌رسد که حسن تعبیر، تابع قراردادهای و عرف‌های اجتماعی، دینی، اخلاقی و سیاسی است؛ به همین دلیل در حال دگرگونی و تغییر از دوره‌ای به دوره دیگر است. بدخشان (۱۳۹۱) در مقالهٔ «حسن تعبیر ناپسند» به بررسی این موضوع می‌پردازد که حسن تعبیر دو گونه است؛ نوع اول برای نشان دادن نزاکت اجتماعی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن

احساسات افراد جامعه دربارهٔ موضوعات مختلف؛ مانند مسائل جنسی، اعضای بدن و ناسزاها به کار می‌رود، اما نوع دوم ترفندی است برای پنهان کردن رسوایی‌های سیاسی و اقتصادی. آزردهشتی (۱۳۹۲) در پایان‌نامهٔ «رویکرد هنجارمحور به ترجمهٔ تابوهای کلامی در ناطوردشت» با توجه به دشواری‌های کار مترجمان در مواجهه با تابوها، به این نتیجه می‌رسد که بیشترین راه‌کار برای ترجمه این تابوها، تلطیف‌سازی، انتقال مستقیم، و جبران‌سازی است. عرب‌یوسف آبادی و افضلی (۱۳۹۷) در مقالهٔ «بررسی سازوکارهای حسن تعبیری در ترجمه تابوهای رمان الهوی» با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی تابوهای رمان الهوی را بررسی کردند و با استناد به ابزارهای حسن تعبیر، مناسب‌ترین ترجمه برای تابوهای آن رمان ارائه داده‌اند.

اما تاکنون پژوهشی در مورد به کارگیری تکنیک‌های حسن تعبیر در ترجمه رمان «سواقی القلوب» صورت نگرفته است.

۳. انعام کجه‌جی

انعام کجه‌جی روزنامه‌نگار و رمان‌نویس عراقی متولد سال ۱۹۵۲م در شهر بغداد است. کجه‌جی در مدرسهٔ راهبه‌های «التقدمه» درس خواند و رشتهٔ روزنامه‌نگاری را در دانشگاه گذراند. قبل از مهاجرت به پاریس و تحصیل در دانشگاه سوربون فرانسه، در روزنامه‌ها و رادیو بغداد مشغول بود و در سال ۱۹۸۶م. فوق‌لیسانس و دکترای روزنامه‌نگاری را از دانشگاه «سوربن» دریافت کرد.

او اکنون برای روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن در پاریس و مجله «کل الأسرة» چاپ شارجه مشغول به فعالیت است. رمان‌های کجه‌جی به زبان‌های مختلفی از جمله، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و چینی ترجمه شده‌اند. انعام نامزد جایزه بوکر جهان عرب و موفق به کسب جایزهٔ «لاگادر» فرانسه شده است. رمان «سواقی القلوب» که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد در ایران در سال ۱۳۹۶ توسط محمد حزبایی‌زاده با عنوان «آب باریکه‌ها» به فارسی ترجمه و توسط انتشارات «هیرمند» منتشر شده است.

۴. خلاصهٔ رمان سواقی القلوب

سواقی القلوب داستان غربت، دلتنگی، عشق و سیاست است. داستان پیرامون محور چند عراقی می‌چرخد که هر کدام به دلیلی سر از پاریس درآورده‌اند. کاشانیه خاتون، پیرزن ۹۰ ساله‌ای است که محور جمع می‌شود. زنی ارمنی از شهر موصل که خانواده‌اش را در کشتار ارامنه از دست داده و در کودکی به دست زنی مسلمان بزرگ شده است. نام کاشانیه هم بسیار پر معنا انتخاب شده؛ چرا که روح این زن با گذر زمان پرصلابت‌تر و زیباتر می‌شود؛ درست مثل فرش کاشان. زمزم، جوانی جنوبی و پرحرارت، به هزینهٔ حکومت درس می‌خواند و چون با هم حزبی‌هایش دچار زاویه شده، گرفتار ترس و تهدید و در نهایت بورسیه‌اش قطع می‌شود. ساری، سربازی است که از مشکل دو جنسیتی رنج می‌برد، به هزینهٔ دولت برای معالجه به پاریس می‌آید و بعد هم می‌شود سارا. سراب، عشق راوی است در تبعید. دخترکی که در بیروت با هزاران رؤیا قدم به دانشگاه می‌گذارد؛ اما وارد سیاست می‌شود و می‌سوزد. راوی اما هیچ نامی ندارد. عضو کهنهٔ حزب کمونیست عراق است و حالا برای آرام کردن خودش به شراب و فرهنگ واژگان پناه برده است.

۵. بحث و بررسی

۵-۱. حلّسن تعبیر

حسن تعبیر به عنوان یک راهبرد کلامی که هر روزه در ارتباطات کلامی از آن استفاده می‌کنیم، دارای اهمیت فراوان است؛ زیرا رعایت این مقوله‌ها نوعی التزام به ادب اجتماعی و کلامی است، «حسن تعبیر شیوه‌ای است جهت بیان موضوعاتی که در حالت عادی نمی‌توان بر زبان آورد و از طریق آن، منطقه‌ای امن در زبان ایجاد می‌شود که از طرف راهبرد ادب بر زبان تحمیل شده است، حسن تعبیر سطحی رابط است که در بین گفتمان صریح و ممنوعیت کامل قرار می‌گیرد»

(ردفرن: ۱۹۹۴م: ۱۱۸۱)؛ همچنین وارن می‌گوید: «زمانی واژهٔ حسن تعبیری وجود خواهد داشت که مخاطب درک کند که بعضی از واژه‌ها یا عبارات، دال بر تمایل گوینده برای اشاره به پدیده‌ای حساس به شیوه‌ای مؤدبانه و یا زمینی است. در واقع تفسیر و تعبیر واژه‌های حسن تعبیری، بر اساس بافت تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، گوینده باید منظوری حسن تعبیری از واژهٔ به‌کار رفته شده داشته باشد و مخاطب نیز آن را دارای بار معنایی حسن تعبیری بداند» (وارن، ۱۹۹۲: ۱۳۵). از این تعاریف می‌توان برداشت کرد که هر آنچه که از طریق رعایت ادب بر زبان تحمیل می‌شود به نوعی حسن تعبیر محسوب می‌شود؛ بنابراین حسن تعبیر فقط منحصر به واژه‌های ناخوشایند نیست؛ بلکه همانطور که کرسپو فرناندز بیان می‌کند که «حسن تعبیر محدود به سطح واژگانی نیست، بلکه ابزاری زبانی با ماهیت عملی-گفتاری را تشکیل می‌دهد که هدف آن حفظ ادب از طرف شرکت کنندگان در ارتباطات کلامی است» (فرناندز، ۲۰۰۵: ۱)؛ بنابراین بر اساس رویکرد گفتمانی کرسپو فرناندز (۲۰۰۵) «او معتقد است که حسن تحویل پدیده‌ای است که اصالتاً به مسئله ادب و مهارت‌های اجتماعی در روابط بین فردی مرتبط است و به عنوان ابزاری مؤثر باعث تسهیل مکالمات در برخوردهای کلامی می‌شود از این دیدگاه حسن تعبیر تنها به عنوان پدیده‌ای صرفاً با واژگانی که برای جایگزین کردن واژه‌ها و اصطلاحات تابعی که به علت گذر زمان تثبیت و کلی شده‌اند در نظر گرفته نمی‌شود در این رویکرد بر این نکته تأکید می‌شود که محدود کردن فرایند حسن تعبیر به جایگزینی یک به یک واژگانی باعث نادیده گرفتن راهبردهای گفتمانی می‌شود که در گفتارهای روزمره برای ایجاد معنای حسن تعبیری به کار می‌روند زیرا این راهبردها اهداف حسن تعبیر یعنی ایجاد سازگاری اجتماعی در ارتباطات کلامی و تطابق با کارکرد گفتمانی را محقق می‌سازند» (موسوی، ۱۳۹۵: ۵۹).

۲-۵. تکنیک‌های حسن تعبیر

۱-۲-۵. مجاز

مجاز یا شیوه بیان مجازی به معنای «کاربرد واژه و عبارتی در معنایی غیر از معنای حقیقی آن است» (الجرجانی، ۱۹۹۲م: ۳۹۵)، این شیوه با داشتن معنای مفهومی به دور از صراحت لفظ علاوه برآنکه معنای ناخوشایند کلام را از بین می‌برد مفهوم عبارت را نیز در خود حفظ می‌کند، البته لازم به ذکر است که مجاز فقط برای عبارات ناخوشایند استفاده نمی‌شود به عنوان مثال به نمونه‌هایی از رمان اشاره می‌کنیم:

- أمضیت زهرة سنوات عمري (کجه‌جی: ۲۰۰۵: ۸). ترجمه: شیرین‌ترین سال‌های عمرم را سپری کردم (حزبایی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸) در این مثال لفظ (شیرین) که برای مزه به کار می‌رود به صورت مجازی برای سال به کار رفته است.
- تمّ فیها عقارب الساعات سیقانها (کجه‌جی: ۲۰۰۵: ۱۴). ترجمه: عقربه‌ها ساعت به آهستگی پایشان را دراز می‌کنند (حزبایی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵).
- نصبت دادن پا به عقربه ساعت نیز نوعی مجاز است.

۲-۲-۵. حذف

حذف به‌عنوان یک شگرد بلاغی، به «پرهیز از ذکر بخشی از کلام به سبب کارکرد بلاغی خاصی همچون تعظیم، گزیده‌گویی، ابهام و مراعات ادب اطلاق می‌شود» (زرکشی، ۱۹۸۸م: ۱۱۵). در برخی از متون عبارتهایی وجود دارد که دارای بار منفی هستند و نمی‌توان از شگردهای دیگر حسن تعبیر استفاده کرد؛ زیرا باید تمام آن محتوی حذف شود، بنابراین مترجم راهی جز حذف عبارتها را ندارد، از قبیل مسایل جنسی که در ادامه آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

۳-۲-۵. کم گفتن

یکی دیگر از شگردهایی که در ترجمه تابوها به کار می‌آید کم گفتن است «با استفاده از این شگرد، برخی از مفاهیمی که بار معنایی منفی دارند، ضعیف‌تر و ملایم‌تر از حدّ خود بیان می‌شود. در زبان فارسی، استفاده از ترکیب ((داروی

آرام بخش)) به جای ((مواد مخدر)) نوعی کم گفتن به‌شمار می‌رود» (عرب یوسف آبادی، ۱۳۹۷: ۱۶) به واسطه کم گفتن «تنها قسمتی از واقعیت بیان می‌شود» (Allan & Burridge, 1991:33) که متاسفانه این شیوه در این رمان یافت نشد اما در ترجمه‌های پیشنهادی به آن اشاره کرده‌ایم.

۴-۲-۵. مضاعف‌سازی

در این شیوه نیز همانند مجاز می‌توان مخاطب را به خروجی کلام رهنمود ساخت بدون آنکه از عبارتهای زشت و زننده استفاده کرد، در این شیوه معمولاً برای تلطیف فحش‌ها و ناسزاها به کار می‌رود مانند: استفاده از لفظ فلان فلان شده، پس برای مضاعف‌سازی «هرگاه تمام یا بخش‌هایی از یک واژه تکرار شود، فرایند مضاعف سازی رخ داده است» (Inkelas, 2006: 417).

۶. بررسی تطبیقی

درحالی‌که رعایت هنجارهای زبان مقصد یکی از وظیفه‌های مترجمان است، با بررسی رمان یاد شده، مواردی یافت شد که متناسب با فرهنگ جامعهٔ اسلامی مقصد، نیست؛ عبارتهایی از قبیل روابط جنسی، نام‌بردن اندام‌های تناسلی، نام‌بردن مشروبات الکلی، واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه و بیان بدرفتاری‌ها و عادات زشت اجتماعی، این موارد را بر حسب ناخوشایندی و تفاوت به پنج دسته تقسیم می‌کنیم و در هر دسته به تعداد به کار رفتن این عبارتهای اشاره و شیوهٔ برخورد مترجم با آن‌ها را بیان می‌کنیم و در صورت نامناسب بودن ترجمه، راهکار مناسب با ترجمهٔ آن را ارائه می‌دهیم.

هنجار در لغت به معنای: «به آیین، قانونمند و متعارف» است و هنجارگرایی در اصطلاح عبارت است از «رعایت اصول، فنون و قواعد زبان متعارف، مرسوم و معیار» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۷) «به تعبیر پیتر نیومارک، مترجم باید در اکثر متون مطمئن شود که ترجمه‌اش معنی‌دار و سبک نوشتار آن طبیعی (بهنجار) باشد» (زرکوب،

۱۳۹۲: ۴۰) و به عبارت دیگر «به زبانی رایج نوشته شود و از دستور زبان و واژه‌ها و اصطلاحات متداول بهره گیرد که مناسب چنان موقعیتی باشد» (نیومارک، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹)؛ بنابراین برای رعایت هنجارهای یک جامعه لازم است مترجم از مفاهیم حسن تعبیری استفاده کند و «برای ساختن حسن تعبیر می‌توان از دو شیوه استفاده کرد: لفظی و معنایی، شیوه نخست با دخل و تصرف در ساختار تعبیر است و شیوه معنایی با دگرگونی در لایه معنایی کلام یا هنجار گریزی معنایی صورت می‌گیرد که دقیق‌ترین شیوه است؛ از این رو که تصرف در معنا است و شناسایی و رهگیری آن هم نیازمند، نکته سنجی و ژرف‌نگری و زبان دانی است» (نوروزی ۱۳۸۹: ۷). از شیوه‌های حسن تعبیر می‌توان به استلزام معنایی، مجاز، حذف، کم گفتن، کنایه، استفاده از جملات شرطی، شبه امری، منفی، پرسشی، قیدها و عبارت‌های کاهنده و ... اشاره کرد، که در این پژوهش از روش‌های حذف، مجاز، کم گفتن، جایگزین سازی و مضاعف‌سازی استفاده شده است.

۱-۶. روابط جنسی

در ۹ قسمت از این رمان به روابط جنسی نظیر: بوسیدن و هم‌بستری و نام بردن اندام‌های تناسلی اشاره شده است، که مترجم در ۷ مورد، آن را به خاطر محدودیت‌های اخلاقی حذف نموده است، «درباره غریزه جنسی و خواسته‌های شهوانی انسان از دیرباز سخن‌ها گفته و با آن برخوردهای متفاوت و متضاد شده است. گروهی آن را پلید و ناروا و مایه شقاوت و بدبختی انسان دانسته و درصدد سرکوب کردن و از بین بردنش برآمده‌اند و حتی ارضاء آن‌را به صورت مشروع و ازدواج رسمی روا ندانسته‌اند (تفریط) و عده‌ای درست در برابر این گروه قیام کرده و به خواسته‌های غریزه جنسی اهمیت فوق العاده‌ای داده و در صدد شکوفایی آن برآمده‌اند و معتقد شدند که سرکوب کردن آن گناهی است نابخشودنی زیرا سرکوب غرایز بخصوص غریزه جنسی باعث ناراحتی‌ها و مضرات فراوانی است (افراط).

اسلام در برابر هر دو نظریه (افراط و تفریط) نظریهٔ سومی را ارائه داده که نه سرکوبی مطلق و نه آزادی مطلق می‌باشد؛ زیرا هر دو باعث بدبختی و شقاوت انسان است، گزینه‌ای را که خدای حکیم در نهاد انسان قرار داده بیهوده و عبث نیست لذا سرکوبی و نابود کردن آن مبارزه با طبیعت انسانی یا اراده حکیمانه الهی است و آزادی بی قید و شرط آن نیز باعث تباهی و هلاکت است» (راهبی و رافت و مبرهن یکتایی، ۱۳۸۴: ۱) اما تصریح به این ارتباط باعث چه مشکلاتی در جامعه می‌شود؟ در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

۲-۴. محدودیت روابط دوستانه

محدودیت بیان روابط جنسی و روابط دوستانه غیر شرعی به این علت است که: «این نکته قابل توجه است که ترویج فحشا از ناحیه مقاماتی صورت می‌گیرد که وظیفه آنها نجات جامعه از سقوط اخلاقی است، به جای اینکه نفوس بشری را تهذیب و اصلاح نموده، به عفت، تقوا و فضیلت سوق دهند، خود رهبر انحراف و ناپاکی شده، از گمراهی مردم پشتیبانی می‌نمایند و دستور گسستن قیود اخلاقی را صادر می‌کنند و تحت عنوان روابط خصوصی قبل از ازدواج و یا رفیق قانونی، مفهوم واقعی فحشا را تغییر داده و به عنوان طرفداری از آزادی مطلق، این حرفه پلید را از دایره بی‌عفتی خارج می‌سازند و مردم را به ارتکاب آنچه مخالف شرف، تقوا و فضیلت است، تشویق می‌نمایند» (موسوی لاری، ۱۳۹۱: ۵۰).

ترویج هم خانگی و ازدواج سفید، مفاهیم فمینیستی، گرایش به دوستی‌های خیابانی، عدم رعایت محرم و نامحرم و عادی‌سازی اختلاط زن و مرد، عادی‌سازی مشروب، استعمال سیگار و قلیان، قبح شکنی از روابط جنسی و حتی به قلم کشاندن بخش‌های اروتیک^(۱) از بیشترین مسائل رایج در این رمان‌ها است، که سبک زندگی و عقاید مشتری این کتاب‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهند، از این‌رو است که یکی

(۱) نزدیکی زن و مرد در خلوت

از ریشه‌های ضعف‌های رفتاری را در تغذیه فکری نادرست از طریق منابع ضد فرهنگی می‌توان جست‌وجو کرد. مرتضی مطهری در کتاب «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب» با بررسی کردن دو نظریه افراط و تفریط در مسائل جنسی و بحث و بررسی درباره مقابله غرب با افراط در این مسائل به این نتیجه اشاره می‌کند که «نتیجه چه شد؟ از اوّل معلوم بود. آیا بیماری‌های روانی معدوم شد؟ آرامش روحی جای اضطراب و دلهره را گرفت؟ خیر، متأسفانه نتیجه معکوس بخشید؛ بدبختی بر بدبختی‌های پیشین افزود، تا آنجا که بعضی از پیشقدمان آزادی جنسی که تیزهوش‌تر بودند سخن خود را به صورت تفسیر و تأویل پس گرفتند، گفتند از حدود و مقررات اجتماعی چاره‌ای نیست؛ گزینه را از تمتعات جنسی نمی‌توان به طور کلی ارضاء و اشباع کرد، باید ذهن را متوجه مسائل عالی هنری و فکری کرد و گزینه را به طور غیر مستقیم به سوی این امور هدایت نمود. فریود یکی از این افراد است. اخلاقی که امثال راسل از آن تبلیغ می‌کنند و نام آن را (اخلاق نوین) گذاشته‌اند همان است که ثمره‌اش آشفته‌گی بیش از پیش غرایز و تمایلات است و برخلاف مدعای آن‌ها که اخلاق کهن را متهم به آشفته ساختن روح می‌کنند سیستم اخلاقی خود آن‌ها سزاوار این اتهام است» (مطهری، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۷)؛ بنابراین سوق دادن جامعه به سوی عادی سازی این روابط و قبح شکنی آن موجب مشکلاتی می‌شود که جامعه غربی را دچار بحران در مسائل خانواده کرده است، از این رو مترجم باید در ترجمه این نوع عبارات احساس مسؤولیت بیشتری داشته باشد تا از وقوع جامعه به این انحرافات از این مسیر جلوگیری نماید.

در این قسمت به عبارتهای که در رابطه با روابط دوستانه غیر شرعی است، می‌پردازیم، این موارد در ۸ قسمت آمده است که در جدول زیر به عبارتهای عربی و ترجمه آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ردیف	متن رمان	متن ترجمه	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۱	غارقین فی عناق محموم	غرق هم آغوشی داغی بودند	۱۶	۱۸
۲	وباستقلالها المکتمل غیر المنقوص، شدتنی سراب إليها و داعبت أوتاری، وترا وترا، فقططعت آخر الخیوط التي بقیت تربطنی بسوزان	سراب با آن شخصیت سراپا مستقل، با تمامی وجود مرا مجذوب خودش کرد و همهٔ نغمه‌ها را با ساز وجودم نواخت. به این ترتیب آخرین رشته‌هایی که مرا به سوزان متصل می‌کرد، پاره شد.	۳۶	۳۸
۳	و يعاشر فرنسية بدون زواج	با زنی فرانسوی، بدون آنکه ازدواج کرده باشد معاشرت دارد	۶۷	۷۴
۴	بل إن صديقات العروس يعرفن أنها كانت تحبّ عبدالمجيد، شقيق محمد، وقد ترك ثمرة في أحشائها	دوستان عروس خبر داشتند که او عاشق عبدالمجید برادر محمد بود و با هم سروسری داشتند و نهالی کاشته بودند	۱۱۷	۱۲۸
۵	وبنات الأرسقراطية يتوّدون اليه	دختران اشرافی دوروبرش می‌چرخیدن	۱۳۰	۱۴۵
۶	يرزح على كاهل صديقته الفرنسية التي ...	مست و آشفته حال بر شانه‌های دوست دختر فرانسوی‌اش نشسته است ...	۱۵۶	۱۷۷

در مورد اول بهتر بود که مترجم به جای ترجمه تحت اللفظی از روش‌های کم‌گفتن یا مجاز استفاده می‌کرد. «علت کارکرد این شگرد در ترجمهٔ تابوها این است که مجاز به دلیل داشتن تأویل و بیان حقایق پنهان، در ظاهر از مطرح شدن برخی موضوعات ممانعت می‌کند، اما به دلیل تطابق با روح و حقیقت معنایی، محتوای آن موضوع را در خود حفظ می‌کند» (عرب یوسف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۴).

پس می‌توانست، عبارت بالا را به این صورت ترجمه بکند: (مشغول صحبت‌های صمیمانه خود بودند) یا (غرق در روابط عاشقانه خود بودند)؛ اما در موارد شماره ۲، ۴، ۵، ۶ و ۷ نیز راهی جز حذف عبارت‌ها را ندارد البته بهتر بود به جای ترجمه دقیق الفاظ آن‌ها را حذف می‌کرد؛ زیرا به مضمون داستان لطمه‌ای وارد نمی‌شد و خواننده احساس حذف یا گنگ بودن محتوا را نمی‌کرد؛ اما در مورد شماره ۳ ایرادی در ترجمه دقیق عبارت وجود ندارد؛ زیرا علاوه بر اینکه تصریح به آن مشکلی ایجاد نمی‌کند، در این مورد نیز اشاره به این دارد که رابطه دوستانه غیر شرعی منجر به پیامدهای ناگوار می‌شود.

۳-۶. الفاظ رکیک (فحش و ناسزا)

اما در رابطه با الفاظ رکیک نظیر فحش و ناسزا در رمان ۲۸ مورد یافت شد که در این موارد فقط سه مورد آن‌ها تصحیح شده و بقیه موارد به همان شیوه ترجمه شده است، که در جدول زیر به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ردیف	عبارات عربی	ترجمه فارسی	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۱	أَيُّ قَوَادِ هُوَ ذَاكَ الَّذِي حَكَمَ أَنَّ الرِّجَالَ لَا يَبْكُونَ	کدام بی‌ریشه گفته که مردان نباید گریه کنند	۸	۹
۲	لَمْ تَكُنْ بَارِيسَ مَكَانًا مَنَاسِبًا لِحَسْرَةِ الْهَارِبِينَ مِنَ الْوَطَانِ	پاریس برای چس‌نال‌های از وطن گریخته‌ها جای نداشت	۱۳	۱۴
۳	تَخَسُّاً يَا عَدِيمَ الذَّوْقِ	خفه شو بی‌سلیقه	۶۳	۷۰
۴	وَيُضْحِكُ ابْنَ الْكَلْبِ	پدرسگ ... می‌خندید	۷۴	۹۶
۵	لَأَنَّ مَزَاجَهُ مِثْلَ الْخِرَاءِ، أَكْثَرَ جَيْفَةٍ مِنْ مَزَاجِي	روزگارش از من گه‌تر بود	۱۰۰	۱۰۹
۶	وَلَعَلَّ بَعْضَ الْمَضَارِيطِ تَصَوَّرُوا	شاید بعضی از این گوزوها خیال کردند	۱۰۰	۱۱۰

ردیف	عبارات عربی	ترجمه فارسی	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۷	لم يقف معي ولا ابن زفرة	هیچ کدوم از اون مادر به خطاها کنارم نموند	۱۰۰	۱۱۰
۸	أولاد مليون كلب	پدرسگای منحوس	۱۰۱	۱۱۰
۹	أولاد القحبة الذين يريدون إعادتي إلى الحظيرة النجسة	همون نامردایی که می‌خوان من رو برگردونن به اون طویله گه	۱۱۰	۱۱۹
۱۰	ابن الحرام الحقير	حرام زاده پست	۱۳۵	۱۵۰
۱۱	كيف أكلنا الخراء جميعاً	همهٔ ما به یه اندازه به گه خوردن افتادیم	۱۵۴	۱۷۴

((تابو)) در زبان شناسی به «ممنوعیت در رفتار زبانی» (اؤلمان، ۱۹۸۶م: ۱۹۳) اطلاق می‌شود. پس هر فردی در نحوه سخن گفتن آزادی کامل را ندارد و در این رابطه نیز باید مقید به آداب و فرهنگ جامعهٔ خود باشد، در این قبیل موارد این الفاظ علاوه بر این که تأثیر منفی را بر مخاطب می‌گذارد، نوعی ترویج بد دهنی و توهین و ناسزا گویی در جامعه نیز محسوب می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌کنید مترجم در مورد شماره ۱ از عبارتی مناسب استفاده کرده است اما در بقیهٔ موارد بالا نقش بسیار ضعیفی رو اجرا کرده و به جای استفاده از عبارتهای کاهنده لفظ دقیق و بعضاً بدتر از لفظ عربی رو ذکر کرده است. در چنین مواردی حتماً مترجم باید از شیوه‌های حسن تعبیر مانند: جایگزین‌سازی یا مضاعف سازی استفاده کند. «جایگزین سازی واژگانی یکی از شیوه‌های حسن تعبیری در زبان فارسی است که باعث کاهش بار منفی و ناخوشایند مفاهیم می‌شود» (موسوی، ۱۳۹۵: ۷) و برای مضاعف سازی همانطور که قبلاً اشاره شد «برای بیان برخی از واژه‌ها که فرهنگ غالب مانع از به زبان آوردن آنها می‌شود، می‌توان از این فرایند استفاده کرد. این در حالی است که اگر بافت کلام پیرامون

مسئله‌ای باشد که تابو محسوب می‌شود، استفاده از شگرد مضاعف‌سازی می‌تواند مخاطب را به گونه‌ای ضمنی به معنای خروجی کلام رهنمون سازد؛ به‌عنوان مثال، استفاده از عبارت ((فلان فلان شده)) به جای فحش و دشنام و یا به جای نام اختصاصی اندامهای تناسلی می‌تواند از بار تابویی عبارت بکاهد و نیز می‌تواند حاوی پیامی باشد که مدنظر گوینده است» (عرب یوسف آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷).

که در جدول زیر به ترجمه‌های پیشنهادی اشاره کرده‌ایم.

ترجمه‌های پیشنهادی	عبارات عربی	ردیف
عبارت مناسب ترجمه شده است	أَيُّ قَوَّادٍ هُوَ ذَاكَ الَّذِي حَكَمَ أَنَّ الرِّجَالَ لَا يَبْكُونَ	۱
پاریس برای فراری‌های از وطن گریخته جایی نداشت	لَمْ تَكُنْ بَارِيسَ مَكَانًا مَنَاسِبًا لِحَسْرَةِ الْهَارِبِينَ مِنَ الْأَوْطَانِ	۲
ساکت شو بی‌سلیقه	تَخَسَّأْ يَا عَدِيمَ الذَّوْقِ	۳
و او با پرویی تمام می‌خندید- بی‌شرمانه	وَيَضْحَكُ ابْنُ الْكَلْبِ	۴
زیرا روزگارش از من بدتر بود	لَأَنَّ مَزَاجَهُ مِثْلَ الْخِرَاءِ، أَكْثَرَ حَيْفَةً مِنْ مَزَاجِي	۵
شاید بعضی از این نامردها خیال کرده‌اند	وَلَعَلَّ بَعْضَ الْمُضَارِيطِ تَصَوَّرُوا	۶
بی‌همه چیز- نامرد	لَمْ يَقِفْ مَعِيَ وَلَا ابْنُ زَفْرَةَ	۷
فلان فلان شده‌ها	أَوْلَادِ مَلْيُونِ كَلْبِ	۸
همون نامردایی که می‌خوان من رو برگردونن به اون خرابه	أَوْلَادِ الْقَحْبَةِ الَّذِينَ يَرِيدُونَ إِعَادَتِي إِلَى الْحَظِيرَةِ النَّجَسَةِ	۹
بی‌همه چیز	ابن الحرام الحقییر	۱۰
همه‌ی ما به یه اندازه به اشتباه کردن افتادیم	كَيْفَ أَكَلْنَا الْخِرَاءَ جَمِيعًا	۱۱

۴-۶. بکاربردن لفظ شراب

در این رمان نویسنده ۲۵ بار لفظ شراب را بکار برده است که مترجم همه را با عنوان خود ترجمه کرده است، که به راحتی به جای تصریح به آن می توانست به شیوه کم گفتن، از لفظ نوشیدنی استفاده بکند، به مواردی از این قبیل اشاره می کنیم:

ردیف	عربی	ترجمه	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۱	ثم فتحنا قنينة شامباينا	شیشه شامپاین باز کردیم	۶۰	۶۶
۲	أما ساری، فکان یعتنی بشرابی وسجائری	ساری هم تلاش می کرد سیگار و شرابم را روبه راه کند	۸۴	۹۲
۳	تأتي الخاتون بقنينة النبيذ ثانية	خاتون شیشه شراب دیگری آورد	۱۳۲	۱۴۸
۴	وعادت وهي تحمل خمرنا	و برگشت با شیشه شرابی در دست	۱۵۵	۱۷۶

۵-۶. عبارتهای ناخوشایند

در این قسمت به بخشهای اشاره می کنیم که مترجم می بایست در آنها از عبارتهای مناسب استفاده می کرد و فقط به ترجمه لفظی اکتفا نمی کرد که در جدول بعدی سعی شده که ترجمه های متناسب با عبارتهای آنها را بنویسیم.

ردیف	عبارت عربی	عبارت ترجمه	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۱	وأنا الممنون	چاکرتم هستم	۱۵	۱۷
۲	برکلة موجعة برجله	اردنگی جانانه ای نثارم کرد	۴۶	۵۰
۳	لکنه عنید مثل البغل	اما عین یک قاطر کله شق	۷۱	۷۹
۴	لا أنعلف سوی أجنحة الدجاج	جز بال مرغ گفت نمی کنم	۱۰۸	۱۱۵

ردیف	عبارت عربی	عبارت ترجمه	صفحه عربی	صفحه ترجمه
۵	فشتمني و شتم أجداد سوزان	من و اجداد سوزان را به باد فحش گرفت	۱۰۹	۱۱۸
۶	سخافات كثيرة	چرندیاتی از این قبیل	۱۴۶	۱۶۲
۷	لعلَّ خرفاً أصابها	گفتم شاید خرفت شده	۱۸۲	۲۰۹
۸	ابن القنطرة	مرتیکه عوضی	۱۸۶	۲۱۴

با استناد به مطالبی که مطرح کردیم باید گفت که «در جوامع مختلف، بعضی از رفتارهای کلامی و غیرکلامی ممنوع و محدود شده و یا تابو محسوب می‌شوند. مردم، به‌عنوان موجوداتی اجتماعی تمایل دارند که از کاربرد بعضی واژه‌ها و عبارات که ناخوشایند و آزاردهنده‌اند، پرهیز کنند؛ بنابراین، برای ایجاد روابط کلامی هنجار در جامعه، کاربران زبان به جای این واژه‌های ناخوشایند از حسن تعبیر استفاده می‌کنند» (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۱: ۲). «حسن تعبیر ابزارهای زبانی قدرتمندی‌اند که به‌طور گسترده‌ای در زبان‌های مختلف وجود دارد؛ به‌طوری که تعداد کمی از کاربران زبان حتی افرادی که به رک‌گویی خود افتخار می‌کنند، روزی را بدون استفاده از حسن تعبیر سپری نمی‌کنند» (راوسن، ۱۹۸۱: ۱) پس لازم است شخص گوینده به بار منفی عبارات‌های که به کار می‌برد توجه داشته باشد، و به جای آن‌ها از کلماتی مناسب استفاده کند.

در جدول زیر به ترجمه‌های پیشنهادی پرداخته‌ایم.

ردیف	عبارت عربی	ترجمه‌های پیشنهادی
۱	وأنا الممنون	من از شما سپاسگزارم، من متشکرم
۲	برکلة موجعة برجله	با کتکی جانانه من را به صف برگرداند

ردیف	عبارت عربی	ترجمه‌های پیشنهادی
۳	لکنه عنید مثل البغل	اما متأسفانه خیلی سربه هوا است، یک دنده است
۴	لا أنعلف سوی أجنحة الدجاج	جز بال مرغ چیزی نمی‌خورم
۵	فشتمني و شتم أجداد سوزان	من و سوزان را به باد ناسزا گرفت
۶	سخافات كثيرة	یاوه‌گویی‌هایی از این قبیل
۷	لعلَّ خرفاً أصابها	گفتم شاید پیر و فرتوت شده است
۸	ابن القندرة	مرتیکه، از خدا بی‌خبر

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مترجم این رمان، در ترجمه خود می‌توانست در ۷۸ مورد از شیوه‌های حسن تعبیر استفاده نماید؛ اما مترجم رمان در ۱۱ مورد، از این شیوه‌ها استفاده کرده است و از ظرفیت ۶۷ مورد دیگر بی‌بهره مانده و به فرهنگ جامعه مقصد برای موارد باقیمانده توجه نکرده است. نتیجه قابل تأمل این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده درست و بجا از حسن تعبیر علاوه بر آنکه هیچ خللی به محتوای رمان ایجاد نمی‌کند و سبب گنگ بودن عبارات‌ها نمی‌شود، ترجمه رمان را زیباتر و متناسب‌تر با فرهنگ مخاطب قرار می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که اگر در رمانی حسن تعبیر به زیبایی صورت نگیرد، فرایند جایگزین‌سازی واژگانی جای آن را خواهد گرفت و این موضوع سبب می‌شود، ترجمه رمان به زیبایی صورت نگیرد و این مسأله تنها به ترجمه کلمات زشت و ناپسند در داستان خلاصه نمی‌شود بلکه گاهی فرایند ارتباط را در ترجمه اثر نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و چه بسا کل فرایند گفتمان را نیز دچار مخاطره نماید.

منابع و مأخذ

۱. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر غربی-فارسی. تهران. نشر نی.
۲. اولمان، استیفن (۱۹۸۶م.). دور الكلمة في اللغة. ترجمة كمال بشر. ط ۱. القاهرة: الشباب.
۳. الجرجاني، عبد القادر (۱۹۹۲م.). «أسرار البلاغة». مصر. القاهرة. مطبعة المدني.
۴. حزابی زاده، محمد (۱۳۹۶). «آب باریکه‌ها». تهران. انتشارات هیرمند.
۵. راهبی، سیده مرضیه راهبی و فاطمه رافت و ملک نساء مبرهن یکتایی (۱۳۸۴). اخلاق جنسی در اسلام و غرب، دوّمین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی. تهران.
۶. الزرکشی، بدرالدین. (۱۹۸۸م.). البرهان فی علوم القرآن. ط ۲. بیروت: دارالمیل.
۷. زرکوب، منصوره و عاطفه صدیقی (۱۳۹۲). «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب التّرجمة و أدواتها». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال سوم شماره هشتم.
۸. شریفی، شهلا و فهیمه دارچینیان (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن». مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. شماره یکم.
۹. صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). «از زبان شناسی به ادبیات». تهران: چشمه.
۱۰. عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط و فرشته افضلی (۱۳۹۷). «بررسی سازوکارهای حسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان الهوی». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب. سال هشتم شماره نوزدهم.
۱۱. عرعار، سامیه و إکرام هاشمی (۲۰۱۶م.). «اضطرابات اللغة والتواصل». مجلة العلوم الإنسانیة والاجتماعیة. الجزائر. العدد ۲۴.
۱۲. کجه‌جی، إنعام (۲۰۰۵م.). «سواقی القلوب». لبنان. بیروت. المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.

۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب». تهران: صدرا.

۱۴. موسوی، سجاد و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۵). «بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی». نشریهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. سال ششم شماره دوازدهم.

۱۵. موسوی لاری، سید مرتضی (۱۳۹۱). «اسلام و سیمای تمدن غرب». دفتر انتشارات اسلامی. قم.

۱۶. نوروزی، علی و حمید عباس‌زاده (۱۳۸۹). «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی شیوه‌ها و انگیزه‌ها». مجلهٔ زبان و ادبیات عربی. شماره سوم.

۱۷. نیومارک، پیتز. (۱۳۸۲). «دورهٔ آموزش فنون ترجمه». ترجمهٔ منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.

18. Allan, K. & k. Burrige (1991). *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press .

19. Crespo Fernández, E. (2005), «Euphemistic Strategies in Politeness and Face Concerns». *Pragmalingüística* 13: 77-86.

20. Inkelas, S. (2006). «Reduplication», in Keith Brown (ed. in chief), *Encyclopedia of Languages and Linguistics*. 2nd ed., Vol. 10. Oxford: Elsevier, Pp 417-419.

21. Rawson, H. (1981). *A Dictionary of Euphemisms and Other Doubletalk*. New York: Crown Publishers, Inc.

22. Redfern, W.D. (1994), «Euphemism». In: *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford .Volume 3, S. 1180-1181.

23. Warren, B. (1992), «What Euphemisms Tell Us about the Interpretation of Words». *StudiaLinguistica*, 46(2), 128-172.